

آم‌زندۀ پردۀ پوش

مدت‌ها بود که دیگر باران نمی‌بارید و خشکسالی و قحطی زندگی را سخت کرده بود. مردم که با توجه به هشدارهای پیامبرشان فهمیده بودند همهٔ مشکلات به خاطر گناهان خودشان است، همگی نزد پیامبرشان رفتند :

– ای پیامبر خدا، اگر باران نبارد، همگی از تشنگی و گرسنگی خواهیم مرد؛ چه کنیم؟
– زن و مرد، کوچک و بزرگ و پیر و جوان، همه جمع شوید تا برای درخواست بخشش از خداوند و نماز باران از شهر بیرون برویم ...

همه در بیابان مشغول مناجات بودند که فرشتهٔ وحی نازل شد :
– در میان مردم کسی هست که مرتکب گناهان بزرگی می‌شود، او هنوز توبه نکرده است. تا او در میان مردم باشد، دعای آنها مستجاب نمی‌شود.



گویا خداوند می‌خواست همهٔ مردم توبه کنند و از گناهان پاک شوند. پیامبر خدا موضوع را با مردم در میان گذاشت.

آن فرد گناهکار لحظات سختی را می‌گذراند. مردم کنجکاوانه می‌خواستند بدانند او کیست. اگر بلند می‌شد و بیرون می‌رفت، آبرویش پیش همه می‌رفت و دیگر نمی‌توانست در آن شهر زندگی کند. احساس کرد خیلی تنه‌است. سرش را پایین انداخت و قطره‌های اشک از چشمانش فرو چکید: خدایا، اکنون فقط تو صدای مرا می‌شنوی و از دل من آگاهی. خدایا، از تو عذر می‌خواهم و عهد می‌کنم که دیگر آن گناهان را تکرار نکنم.

مردم هنوز منتظر بودند فرد گناهکار را ببینند که ناگهان صدای رعد و برق و بارش باران آنها را به خودشان آورد. هیچ کس از بین جمعیت بیرون نرفت، پس آن فرد گناهکار کیست؟ پیامبر خدا همین موضوع را از خداوند پرسید.

— ای پیامبر ما، او دیگر گناهکار نیست. بندهٔ ما توبه کرد و به سوی ما بازگشت.

— خداوندا، او را به من معرفی کن تا حداقل او را بشناسم!

— آن زمان که او گناهکار بود آبرویش را نبردیم، اکنون که بازگشته و دوست و بندهٔ ما شده است

آبرویش را ببریم؟

جواب سوال 1 کتاب (قسمت اول)

یکی از نام‌های خداوند بلند مرتبه «غفار» است؛ یعنی بسیار آمرزنده یعنی او همه گناهان را می‌آمرزد

خداوند تمامی گناهان هر کسی را که پشیمان شده باشد و بخواهد راه درستکاری و تقوا را در

پیش بگیرد می‌آمرزد؛ همان‌طور که در قرآن کریم می‌فرماید:

قُلْ يَا عِبَادِيَ

الَّذِينَ اسْرَفُوا عَلٰى اَنْفُسِهِمْ

لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ

اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ جَمِيْعًا

اِنَّهٗ هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ

بگو: ای بندگانم

که بر خود زیاده‌روی روا داشته‌اید

از رحمت خداوند نومید نشوید؛

زیرا خدا همهٔ گناهان را می‌آمرزد

که او خود آمرزندهٔ مهربان است.*

در مورد آمرزنده بودن خداوند

حفظ شود

۱. سورهٔ زمر، آیه ۵۳ * آیه با ترجمه حفظ شود.

خداوند به همه گناهکاران وعده آمرزش داده است. خداوند بخشایشگر، نه تنها خطاهای کوچک، بلکه همه گناهان و حتی اشتباهات متعدد بندگان را نیز می‌آمرزد. فقط کافی است بنده‌ای از کار زشتش پشیمان شود و تصمیم به ترک آن بگیرد و اعمال شایسته انجام دهد (البته روشن است که اگر حق الناس بر عهده کسی باشد، برای توبه کردن، پشیمانی کافی نیست و انسان باید حقوق مردم را جبران کند.)^۱ در این صورت خداوند وعده قطعی داده است که حتماً او را می‌بخشد.

۴- اگر حق الناس گردن کسی باشد باید چه کند؟

وَ اِنِّي لَعَفَّارٌ

و به یقین من آمرزنده کسی هستم که

لِمَنْ تَابَ وَ اَمَنَ

توبه کند و ایمان بیاورد

وَ عَمِلَ صَالِحًا

و کار شایسته انجام دهد

ثُمَّ اهْتَدَى^۲

و سپس هدایت شود.

۵- وعده خداوند برای بخشش بندگان در قرآن دارای چه مراحل است؟



با توجه به آیات بالا توضیح دهید اگر خداوند غفار نبود، چه اتفاقی می‌افتاد؟ غفار بودن خدا چه تأثیری در زندگی مردم دارد؟

انسان‌های الهی

شاید برای شما هم پیش آمده باشد که به‌طور اتفاقی یا از روی نادانی کسی حق شما را ضایع کند، یا اینکه نسبت به شما رفتار بدی نشان دهد. در این هنگام، شما چه واکنشی از خودتان نشان داده‌اید؟ برخی از مردم هرگز حاضر نیستند خطاهای دیگران را ببخشند. عده‌ای هم فقط از اشتباهات کوچک دیگران، چشم‌پوشی می‌کنند، اما نمی‌توانند از اشتباهات بزرگ آنان بگذرند.

به نظر شما خداوند کدام گروه از بندگان را بیشتر دوست دارد؟ خداوند همان‌طور که خود بسیار آمرزنده است، بندگان را نیز دعوت به بخشش خطاهای دیگران می‌کند. کسانی که دیگران را به خاطر خطاهایشان می‌بخشند در واقع رنگ و بوی این صفت الهی را به خود می‌گیرند. با گذشت از خطاهای دیگران، نه تنها خداوند خشنود می‌شود، بلکه به سبب آن، خداوند از گناهان ما نیز می‌گذرد و ما را می‌بخشد.

۱. برخی از نمونه‌های حق الناس در درس پانزدهم بیان شده است.

۲. سوره طه، آیه ۸۲

ویژگی مؤمنان و در مورد گذشت از خطاهای دیگران و بخشش گناهان از جانب خداوند متعال است

... وَ لِيَعْفُوا

[مؤمنان] باید عفو و گذشت پیشه کنند

وَ لِيَصْفَحُوا

و [از یکدیگر] درگذرند.

أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ

آیا دوست نمی دارید که خدا هم شما را ببامرزد؟

وَ اللَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ^۱

و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.*

حفظ شود



در جامعه‌ای که هیچ‌کس حاضر به عفو و بخشش خطاهای دیگران نباشد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟
با هم کلاسی‌هایتان گفت‌وگو کنید و رفتار افراد بخشنده و افراد بی‌گذشت را در اتفاقات روزمره زندگی با هم مقایسه کنید.

جواب سوال 2 کتاب (قسمت دوم)

عفو و گذشت از خطاهای دیگران، نه تنها موجب خشنودی خداوند می‌شود و انسان را از

رحمت بیشتر الهی بهره‌مند می‌کند، بلکه او را در میان مردم نیز عزیز و سربلند می‌سازد. بنابراین، کسی که در هنگام خشم از خطاهای دیگران، با انتقام و تنبیه، خود را آرام می‌کند، به زیان خودش عمل می‌کند.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: 6 - پیامبر اکرم (ص) در مورد عفو و گذشت چه می‌فرمایند؟

اهل گذشت باشید، بی‌تردید عفو و گذشت، بنده را عزیز و سرافراز می‌گرداند. پس، از یکدیگر بگذرید تا خداوند شما را عزیز و

سرافراز گرداند.^۲

جواب سوال 3 کتاب

البته زمانی که فرد خطاکار به اشتباهش پی برده است و از انجام آن پشیمان شده و یا از روی

جهالت و نادانی ظلمی به ما کرده است، گذشت ما موجب اصلاح رفتارش می‌شود اما توجه داریم که

در مواردی خطاهای دیگران را نباید نادیده گرفت؛ چشم‌پوشی از رفتار کسانی که اشتباهات خود را

نمی‌پذیرند و تصمیمی برای ترک آنها ندارند، موجب می‌شود جسارت آنان بیشتر شود و فرصتی برای

اصلاح رفتار خود نیابند. 7 - در چه مواردی چشم‌پوشی از خطاهای دیگران درست نیست؟ چرا؟

۱. سوره نور، آیه ۲۲ * آیه با ترجمه حفظ شود. ۲. کافی، ج ۲، ص ۱۰۸؛ کنز العمال، ۷: ۱۲

جدول زیر را مانند نمونه کامل کنید:

مواردی که گذشت از خطای دیگران پسندیده است.	مواردی که نباید از خطای افراد چشم پوشی کرد.
فرد خطاکار به اشتباهش پی برده است.	فرد خطاکار به اشتباهش پی نبرده است
پشیمان شده اند و تصمیم به ترک آن گرفته اند	پشیمان نیستند و قصد ترک کردن آن را ندارند
فرد خطاکار ، کار خودش را خطا می داند	اصلاً کار خودش را خطا نمی داند.
بخشش، باعث راهنمایی او می شود.	بخشش باعث جسارت بیشتر در عملش می شود
بخشش باعث اصلاح رفتارش می شود	بخشش، باعث بی ادبی افراد نادان می شود.

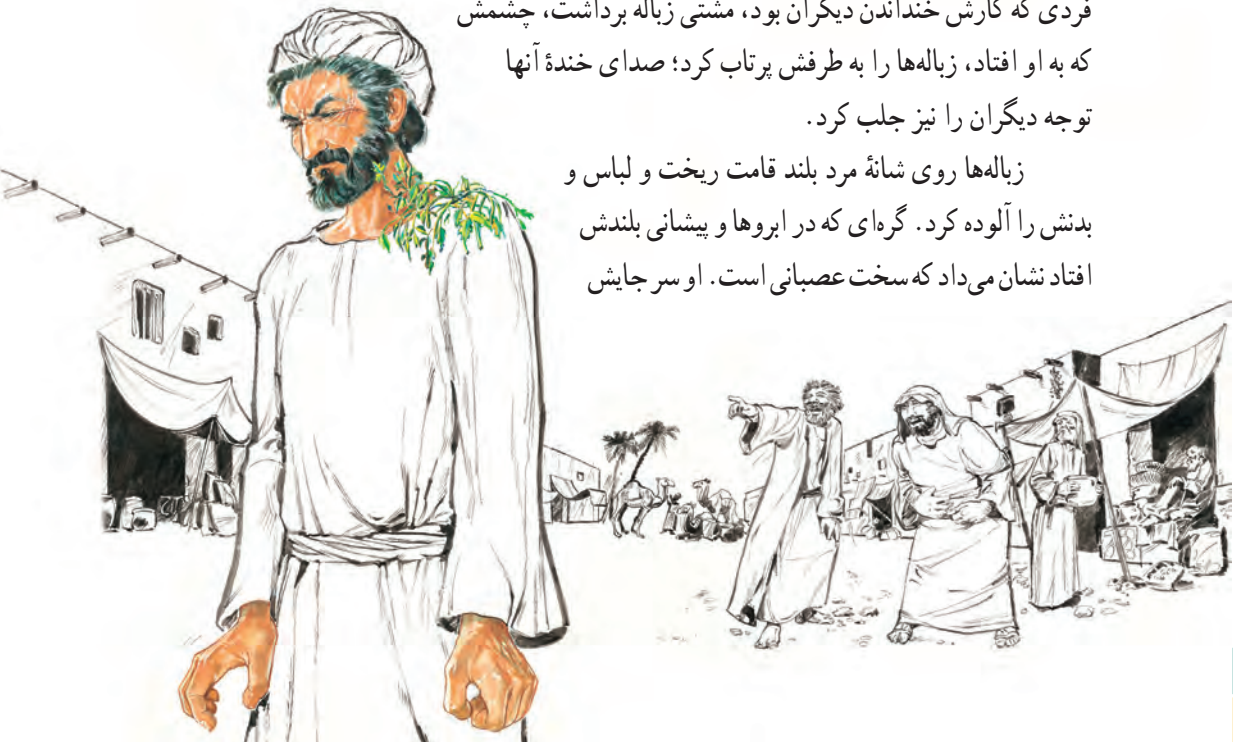
گذشت زیبا ← داستان مالک اشتر

محکم و استوار قدم برمی داشت و با گام‌هایی آرام، بازار کوفه را طی می کرد. اندام ورزیده و چهره آفتاب سوخته اش در کنار زخم شمشیری که از جنگ‌های قبلی روی صورتش مانده بود، به او ابهت خاصی می بخشید.

در شلوغی بازار، چند نفر با هم مشغول گفت‌وگو بودند. در این میان،

فردی که کارش خنداندن دیگران بود، مشتکی زباله برداشت، چشمش که به او افتاد، زباله‌ها را به طرفش پرتاب کرد؛ صدای خنده آنها توجه دیگران را نیز جلب کرد.

زباله‌ها روی شانه مرد بلند قامت ریخت و لباس و بدنش را آلوده کرد. گره‌ای که در ابروها و پیشانی بلندش افتاد نشان می داد که سخت عصبانی است. او سر جایش



ایستاد و انگشتانش را در مشتش فشرد، اما پس از مدتی کوتاه برخلاف انتظار حاضران که دعوایی سخت را پیش‌بینی می‌کردند، بدون اینکه حتی به طرف آنان برگردد، راهش را در پیش گرفت و از آنان دور شد. یکی از آنان گفت: خدا خیلی به تو رحم کرد، اگر به سراغت می‌آمد...

— او یک نفر بود و ما چند نفر، اگر دعوایی هم پیش می‌آمد، خودش پشیمان می‌شد. یکی از بازاریان که از دور ماجرا را تماشا می‌کرد، هراسناک خودش را به آنان رساند و گفت: هیچ می‌دانید به چه کسی توهین کردید؟

— او هم یکی بود مانند هزاران عابری که هر روز از اینجا می‌گذرند، فقط قدش کمی بلندتر از بقیه بود. — اگر او را شناخته بودید، این‌گونه نمی‌خندید، او فرمانده لشکر اسلام، مالک اشتر بود! ناگهان صدای خنده قطع شد و رنگ از رخسار جمع پدید. — همان مالک اشتر معروف که نامش دل شیر را آب می‌کند؟ همان که پهلوانان دشمن از شنیدن نامش به خود می‌لرزند؟ بعد کمی سکوت کرد و آرام گفت:

— وای بر من! چه حماقتی کردم! الآن دستور خواهد داد مرا بگیرند و سخت مجازات کنند. باید بروم و از او عذرخواهی کنم. حتی اگر لازم شود به او التماس خواهم کرد...

به دنبال مالک اشتر به راه افتاد. مالک وارد مسجدی شد. او نیز آرام و با ترس و لرز وارد مسجد شد. مالک اشتر به نماز ایستاد. نفس راحتی کشید و منتظر ماند تا نمازش تمام شود.

مرد با سرافکنندگی و پشیمانی کنار او نشست و با صدایی لرزان گفت: من همان کسی هستم که در بازار به شما بی‌ادبی کردم. از شما معذرت می‌خواهم و تقاضا می‌کنم از مجازات من صرف‌نظر کنید. مالک جواب داد: اشتباه می‌کنی. به خدا سوگند، من فقط به خاطر دعا برای تو به مسجد آمدم. وقتی دیدم تو بی‌دلیل مردم را آزار می‌دهی، دلم برایت سوخت. فهمیدم که متوجه زشتی کار خودت نیستی. برای همین به مسجد آمدم تا دعا کنم و از خدا بخواهم که تو را به راه راست هدایت کند.^۱



- ۱- غفّار یعنی چه؟ چرا خداوند با این صفت شناخته می‌شود؟ **جواب دو قسمت است**
- ۲- گذشت از خطاهای دیگران چه فایده‌ای برای انسان دارد؟ **جواب دو قسمت است**
- ۳- توضیح دهید با چه شرایطی گذشت از خطاهای دیگران شایسته است.

الهی

ای نهایت آرزوها و درخواست هایم،
و ای کسی که دودست خویش را به رحمت باز کرده ای،
تا هر کنا هکاری در آغوش رحمتت جای گیرد،
برای کنا هانم جز تو آمرزنده ای نیافتم،
و برای شکست هایم غیر تو جبران کننده ای ندیدم،

الهی،

کنا هانم را ببخش، که نابود کردند.
و خطاهای پنهانی ام را پوشان که رسوا کننده اند.

تو هم اگر دوست داری چند کلامی با پروردگارت سخن بگو.

.....

.....

.....